

اکابر فرموده اند که طالب باید که در همه احوال و اوقات با
خود مدار باز آید و راه همتا سبب بی احوال بنده از بندگی
حق سبب و تقوی بدو نکند و او را ناقبول نشود زیرا که در
دلها دلی باشد که هر چنگی که او میکنند آن میشود و دیگر باید که با
راه فرود که بسیار زین دارد پس سبب طالبان است
ظانرا و باطنرا جمع نماید نگاه دارند جن که در محبت
از آنچه ترک ادب است خود را نگاه میدارند ایشان را
خود جازین اما تو باید که ملاحظه خود کنی پس این اکابر است که
هر چه آری بری دیگر بدان ای درویش آدمی قابل به جنت اما قدر
نظری بسوی خود کن که تو را در این مملکت چنان خود را که تو از بند
تو چشم خود نهانی نوال خود جو در از صف برین بیانی
بس بر طالبان است که رعایت احوال این طایفه میکنند
هر که از نظر این طایفه افتاد گویند که از نظر حق سبحانی و تعالی

مردان خدا

مردان خدا خدا انباشند لیکن ز خدا جدا نباشند
اکابر فرموده اند که اگر شخصی صوت درویشی را بر دیواری شنید
بشد بر سالک است که از آنجا با او بگذرد و دیگر باید که
اکابر فرموده اند که اگر صد کسی بجهت در امری مجتمع نشیند
دیگر گس باشد که باطل او مشغول تو مشغول گونی باشد تقریر
بر می اینها غالب آید طالبان را از غیر جنس متمم است
مردان ای طالب هر وقت که حضرت حق را بنده گانه می
از شرق تا غرب عالم بیگ چشم زدن سیر میکنند تو کن
نسری این بساط خالی خواهد بود **بیت** جو مولانا
مگر آری بابت آن فتنه شرعی جهان پر شمشیر نیست کوهی
بالین و گرد عالم می سپرد دست نی کوز میدان می
خاموشند نغزو میروند تا عرضش خفت باد
باید که دایم در محبت جوی این طایفه باشی که جویند

Copyright © King University